

یادداشت

غربت بازرگان

علی شاملو

● نام مهندس مهدی بازرگان از زمانی که خود را شناختم، در خانه ما طنین‌انداز بود. یک بار در دوران کودکی‌ام شاید کلاس سوم یا چهارم دبستان، همراه پدرم آقای اصلان شاملو به دفتر جامعه زنان انقلاب اسلامی، برای سالگرد مرحوم آیت‌الله طالقانی رفته بودم و افتخار این را داشتم که مهندس بازرگان دستش را به‌سوی من دراز کرد و بعد از خوش‌وبش‌کردن با من با پدرم شروع به صحبت کرد. بازرگان معتقد بود نظام عالم، نظام تدریج است و این اصل هم در عالم طبیعت و هم در عالم اجتماع جاری و ساری است و انقلابیون آن زمان می‌خواستند یک‌شبه همه چیز تغییر کند. سرعت پیش‌بینی نشدنی انقلاب و فروپاشی باورنکردنی رژیمی که بسیار قدرقدرت می‌نمود، به‌ویژه از آبان‌ماه ۵۷، در همه انقلابیون این ذهنیت را دامن زده بود که سایر امور نیز این چنین قابل تغییر است. از اینجا بود که بازرگان تنها و غریب شد و حتی در میان هم‌فکران خودش هم تنها ماند؛ آن چنان که به‌سرعت شاهد جدایی بخشی از همراهان نهضت آزادی از سفره بازرگان بودیم. حتی برخی از دوستان و یاران بازرگان که در دولت موقت باقی ماندند و بازرگان را همراهی می‌کردند، به او خرده می‌گرفتند که ای کاش انقلابی‌تر عمل می‌کردید؛ اما مهدی بازرگان که زاده مشروطیت بود و دوران استاد و مرشد خود مرحوم دکتر مصدق را درک و با او همراهی کرده بود، آینده را می‌گذاشت و افغان و خیزانی بر این کشور می‌رفت و بسیاری از سرمایه‌های طبیعی و انسانی هدر می‌رفت تا مردم و به‌ویژه نخبگان جامعه بفهمند که سیاست «گام‌به‌گام» یعنی چه. باید سال‌ها می‌گذاشت تا واژه اعتدال و میانه‌وری که آن زمان مذموم بود و به‌خاطر این واژه بازرگان را مته‌م به هر عنوانی می‌کردند، افتخار شود و با همین شعار رئیس‌جمهور توانست بر رقای خود پیروز شود. باید سال‌ها می‌گذاشت و تجربیات تلخ بر مدیریت کشور وارد می‌آمد تا همگان بفهمند که برای تغییر هر فاکتور ملی به هزاران برنامه‌ریزی و سال‌ها وقت نیاز است و همه جناح‌های سیاسی باید انتظارات خود را حداقلی کنند و همگان از سیاست و روش گام‌به‌گام تبعیت کرده و به آن افتخار کنند.امید است در بیست‌وپنجمین سالگرد درگذشت این رجل آزادی‌خواه و وطن‌دوست، یاران و جانشینان ایشان در نهضت آزادی همان‌گونه که ایشان و جانشینش مرحوم دکتر یزدی با بررداری، سعه صدر و مدارا با همه برخورد می‌کردند و شیوه و مرام این نهاد از بدو تأسیس این‌گونه بوده است و همیشه توصیه‌اش به دولتمردان مدارا، بررداری و صبر با منتقدان و مخالفان بود، این توصیه و روش را سرلوحه برنامه‌های سیاسی و حزبی خود قرار دهند و همیشه به شیوه و توصیه قرآنی که صبر و مداراست، تمسک جویند.

مراسم بزرگداشت بیست‌وپنجمین سالگرد

درگذشت مهندس مهدی بازرگان، پنجشنبه، ۲۶ دی‌ماه ۹۸ از ساعت ۱۵ تا ۲۰ عصر با عنوان «بازرگان، اصلاحات و نقد انقلاب» در کانون توحید تهران برگزار شد. در این مراسم، فضای اندوه و سوگواری ناشی از حوادث اخیر، به‌ویژه فاجعه انسانی سقوط هواپیمای مسافری با نصب پلاکاردهای تسلیت، نوارهای سیاه عزاداری و پیام‌های مکرر تسلیت از سوی مجری برنامه به چشم می‌خورد. در بخش نخست این همایش، پنج سخنران اصلی حضور داشتند و در بخش دوم که رویکردی انتقادی به برخی آرا و عملکرد مهندس بازرگان داشت، میزگردی متشکل از شش صاحب‌نظر در حوزه مسائل تاریخی، معرفتی و سیاسی، برگزار شد.تعدادی از شخصیت‌های سیاسی، اعضای ارشد احزاب و چند نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این مراسم شرکت داشتند. احمد منتظری، مصطفی تاج‌زاده، فرشاد مؤمنی، حبیب‌الله پیمان، مرضیه مراضی‌انگرودی، احمد زیدآبادی، غلامرضا حیدری، پروانه سلحشوری، محمد جواد مظفر، فریدون سحابی، لطف‌الله میمنی و محمدی‌اردهالی از جمله شخصیت‌های سیاسی بودند که در این مراسم حضور یافتند.

ایبعاد اعتقادی بازرگان به روایت سیدمهدی جعفری

سخنران نخست، سیدمهدی جعفری، پژوهشگر قرآن و نهج‌البلاغه، از اعضای اولیه نهضت آزادی ایران و از جمله همراهان مهندس بازرگان در دوران مبارزات پیش از انقلاب، در خلال ذکر خاطرات خود از مرحوم مهندس بازرگان و پیشگامان نهضت آزادی ایران مانند دکتر سحابی و آیت‌الله طالقانی، به ایبعاد اعتقادی و اخلاقی ایشان و ضرورت این خصایص در سیاست‌ورزان و حکمرانان امروز پرداخت.

نسبت روشنفکری و بازرگان به روایت سیدعلی میرموسوی

سخنران دوم، سیدعلی میرموسوی، رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه مفید، مضامین روشنفکری دینی را مورد بحث قرار داده، مهندس بازرگان را از جریان‌سازترین متفکران دینی دانست که سنت دینی و حوزه شناخت قرآن را مورد پژوهش و تحت‌تأثیر قرار داد، اما برخلاف اصحاب اندیشه، کوشش‌های خود را به قلمرو نظر و اندیشه محدود نکرد و در سطح الگویی برای عمل اخلاقی در کنش سیاسی در تراز ملی مطرح شد.

استواری بازرگان به روایت عبدالعلی بازرگان

پس از این سخنرانی، پیام تصویری مهندس عبدالعلی بازرگان بخش شد. او با یادآوری و تبیین برخی آیات قرآن مجید، راهنمای زندگی و عملکرد پدر را در فرازوفروید تاریخ و سیاست ایران و مراجعه به قرآن در مقام «راهنمای عمل» دانست و این امر را دلیل استقامت و استواری مهندس بازرگان بر راه حق توصیف کرد. بازرگان ضمن تسلیت و همدردی با مردم ایران بر اهمیت‌های اخیر، آنان را به تمسک به راهنمایی‌های عملی قرآن، صبر و عمل صالح فراخواند.

بازرگان در آزمون قدرت به روایت سارا شریعتی

سخنران سوم، سارا شریعتی، استاد جامعه‌شناسی



بزرگداشت بیست‌وپنجمین سالگرد درگذشت مهندس مهدی بازرگان

سربلند آزمون قدرت

هنر و پژوهشگر اجتماعی، تحت عنوان «بازرگان، یک قرن روشنفکری دینی در ایران و در آزمون قدرت» نتایج یکی از پژوهش‌های خود را تشریح کرد. از نگاه او، تمام مواضع مختلف مهندس بازرگان، بخش‌هایی از یک پیوستار منسجم و هم‌راستا بوده که بنا بر ضرورت‌های زمانی، گاهی شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است. سارا شریعتی در این نشست گفت: «مهم‌ترین تصویر بازرگان، تصویر یک رجل سیاسی است؛ از معاونت وزارت فرهنگ و رئیس هیئت خلع‌ید در دولت دکتر مصدق، تا مبارزه سیاسی در نهضت مقاومت ملی، نهضت آزادی و تجربه زندان و تبعید و در نهایت تصویر وی به‌عنوان اولین نخست‌وزیر پس از انقلاب. غلبه این تصویر سیاسی باعث شده است تا همواره مراسم بزرگداشت وی از جانب مخالفان سیاسی‌اش، با ممانعت‌ها و مخالفت‌هایی روبه‌رو شود. اما مهدی بازرگان جدا از نقش سیاسی، میراث برپار فکری نیز دارد. او یکی از چهره‌های اندیشه اسلام قرن بیستم و یکی از مؤثرترین نویسندگان ادبیات تجددطلبی در ایران است. بازرگان همچنین، مؤلف مجموعه آثار بیست‌وچندجلدی است که شامل اولین آثار از ۱۳۱۵ تا آخرین مباحث وی در ۱۳۷۳ است؛ حدود ۶۰ سال درهمتیدگی زندگی و اندیشه. جدا از سهم وی در زمینه تفسیر و پژوهش‌های قرآنی، بسیاری از مفاهیم و مباحث فکری را برای اولین‌بار بازرگان مطرح کرد یا اولین نویسنده یک رساله در مورد کار است (کار در اسلام ۱۳۲۵). از اولین کسانی که به اجتماع به‌عنوان یک حوزه مستقل اندیشید (آثار عظیم اجتماع ۱۳۲۹)، از اولین‌هایی که به مباحثی مانند خلق‌وخو و آداب ایرانی پرداخت (سازگاری ایرانی ۱۳۴۲)، اولین کسی که مفهوم ایدئولوژی را وارد ادبیات فکری کرد (بحث و ایدئولوژی ۱۳۴۵)، ازادینرو ضرورت دارد مستقل از نقش سیاسی ایشان، تأملی در میراث فکری بازرگان نیز داشته باشیم. این میراث فکری را می‌توان در همبستگی میان سه حوزه دین (اصلاح فکر دینی)، اخلاق (اخلاق کار و

سیاست



مسئولیت) و جامعه (تأکید بر کار اجتماعی، انجمنی و جمعی) تعریف کرد؛ سه حوزه‌ای که در اندیشه بازرگان، در ربط با یکدیگر فهم و تعریف می‌شوند. این میراث اما در آزمون قدرت و سلطه سیاست، به سایه رفت و شرح محنتی دیگر در تمدن اسلامی شد؛ محنت بازرگان.»

نسبت استقلال و بازرگان به روایت عبدالکریمی

سخنران چهارم، بیژن عبدالکریمی، عضو هیئت علمی دانشگاه، میراث بازرگان را مبارزه مستقل و وابسته‌نبودن به بیگانگان دانست و گفت: «بی‌تردید، زندگی، منش و شخصیت مهندس مهدی بازرگان، جریان نهضت آزادی و تجربیات و سرنوشت دولت موقت یکی از بی‌شمار مواردی است که هم از جانب پژوهش‌یون و قدرت سیاسی و هم از جانب اپوزیسیون و روشنفکران، دچار بی‌مهری‌ها و تاریخ‌سازی‌های ایدئولوژیک شده است؛ بنابراین یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف و رسالت‌های ما مواجهه‌های علمی و تاریخی، نه بر اساس حب و بغض‌ها یا شخصیت‌ها و رویدادهایمان، از جمله با مهندس بازرگان و نهضت علمی و نظری و نیز کنش سیاسی اوست؛ رسالتی که دانشگاه‌ها و محافل آکادمیک و پژوهشی ما باید به نحوی جدی آن را بر عهده گیرند.

او ادامه داد: «بازرگان چه پیش و چه بعد از انقلاب، یعنی درست در روزگاری که فضاهای آرمان‌گرایانه، ایدئولوژیک و چپ‌پوی‌های انقلابی حاکم بود، به لحاظ سیاسی جامعه را به نوعی میانه‌روی و عدم تبعیت از فضاهای احساسی و تن‌دادن در به‌حرکت‌های خشونت‌بار دعوت می‌کرد. این منش، برخلاف اتهام‌های ناجوانمردانه شه‌روشنفکران خام و نابخته و هوچی که به وی برچسب «لیبرال» زده بودند، بی‌هیچ‌وجه ناشی از خلش‌های بورژوازمناشانه و سازش‌گرانه او نبود، بلکه ناشی از اصول و پرنسپب خاص سیاسی و ناشی از عمق تجربیات اجتماعی او بود. بازرگان، در عین آنکه به‌هیچ‌وجه، همچون جریانات تندرویی مانند منافقین، چریک‌های فدایی اقلیت یا ابوالحسن بنی‌صدر در برابر مسیر پرقدرت و توانانی جریان انقلاب و رهبری آن قرار نگرفت، ولی هرگز نیز از اصول سیاسی و اخلاقی خود نیز کوتاه نیامد و به همین دلیل، به سهولت از دولت و قدرت سیاسی کناره گرفت، لیکن هیچ موقع نیز این کشور را ترک نکرد و به زیر علم قدرت‌های بزرگ جهانی و رسانه‌های وابسته به آنها نرفت اما در همان حال، در زمان جنگ، علی‌رغم مخالفت‌هایی که با سیاست‌ها داشت، به خودش نیز اجازه نداد که ناجوانمردانه به قدرت سیاسی کشورش که در حال جنگ با بیگانگان و نظام جهانی بود، از پشت خنجر زند و تا آنجا که توانست، خود او و دست‌پروردگان بزرگش، همچون مهندس عزت‌الله سحابی و دکتر ابراهیم یزدی، در بسیاری از موارد به قدرت سیاسی در مقابله با آمریکا و عراق و دیگر کشورهای منطقه مشاوه نیز می‌دادند اما امروز، بسیاری از روشنفکران‌ها و چپ‌نماها که این پیرمرد و چهره‌هایی همچون دکتر یدالله سحابی و مهندس عزت‌الله سحابی را آزرده بودند، هرچند ممکن است همه آنها به اشتباه خود اعتراف نکرده باشند، ولی به احتمال بسیار زیاد، در درون خویش شرمندۀ بوده، از وی خلایق می‌طلبند. البته برخی نیز صراحتا از مهندس بازرگان و دکتر یزدانه سحابی عذرخواهی کردند. به هر تقدیر، آنچه مهم است، این است که منش و سنت عملی بازرگان در جامعه ما پیروز شد». این استاد دانشگاه تصریح کرد: «همه آثار فکری و نظری و نیز عملی، سیاسی و اجتماعی مهندس مهدی بازرگان در راستای پاسخ‌گویی به مصائب و بحران‌های سه‌گانه مذکور بوده است، در اینجا می‌کوشم به نحوی بسیار سریع و گذرا، در محدوده دقایق محدودی که در اختیارم نهاده شده است، چند جمله‌ای درباره اندیشه و کنش مهندس بازرگان در ارتباط با هر یک از سه معضله عالم اسلام به طور کلی و جامعه ایران به طور خاص، با توجه به شرایط تاریخی کنونی‌مان بیان کنم.»

عبدالکریمی در ادامه یادآور شد: «بازرگان عقباقتادگی تاریخی نهادهای سنتی و بیگانگی آن با جهان و زبان معاصر را به‌خوبی درک کرد و در دانشگاه‌های ما با زبان و ادبیات تازه‌ای، به‌ویژه با تکیه بر دستاوردهای علوم جدید، کوشید به دفاع از اسلام و تفکر دینی و معنوی در جهان کنونی برخیزد. وی با زبان و ادبیات جهان معاصر بیگانه نبود و به تعبیر یکی از عرفا، شیخ چند کتاب بود و هم با زبان سنت و هم با زبان تمدن جدید آشنا بود و به‌خوبی دریافت یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مقولات دوره جدید، مؤلفه آزادی است و بدون به رسمیت شناختن‌شدن این مؤلفه به‌هیچ‌وجه نمی‌توان با

جهان، جوامع و انسان مدرن ارتباط برقرار کرد. با این وصف و علی‌رغم آنکه نهضت فکری و اصلاح دینی بازرگان در جریانات بعدی و در شخصیت‌ها و مراحل بعدی جریان روشنفکری دینی ادامه یافت و به همین اعتبار جامعه ما را بسیار تحت تأثیر قرار داد، ولی گفتمان فکری و نظری او به دلیل فقدان مبانی حکمی و فلسفی مستحکم و تأثیرپذیری از نوعی علم‌گرایی و پوزیتیویسمی بسیار خام و ناندانشیده و با توجه به تحولات بسیار ژرفی که جهان در این نیم قرن اخیر با آن روبه‌رو بوده است تا آنجا که ما به دلیل ظهور شرایط پیست‌مدرن با دومین شکاف تمدنی خود-یعنی علاوه بر تعارضات عالم مدرن با عالم سنتی ما، بلکه با تعارضات عالم پسامدرن با خود عالم مدرن و لذا با عالم سنتی نیز- روبه‌رو هستیم، طبیعی است که گفتمان اصلاح دینی بازرگان به همان شکل و شمایِل پیشین و بدون بازنگری‌های اساسی نمی‌تواند به مسائل و بحران‌های نظری کنونی ما پاسخ دهد». عبدالکریمی درباره کینه‌توزنبودن اعضای نهضت آزادی گفت:

«وصف بازرگان و یارانش هرگز به کینه‌توزی و کینه‌پرانی نسبت به حاکمیت مبادرت نورزیدند و به فضاهای پوپولیستی و دشمنی‌جویانه رسانه‌های خارجی تن ندادند و حتی، درست در زمانی تحت شدیدترین تنقیضات بودند، مهندس عزت‌الله سحابی تجربیاتش را در اختیار سازمان برنامه و بودجه قرار می‌داد و دکتر ابراهیم یزدی محل مشورت وزارت امور خارجه قرار می‌گرفت و آنها ابایی از این نداشتند که در جهت حل مسائل ملی یاری رسانند». او در نقد جریان به‌ظاهر روشنفکری روزگار کنونی اظهار کرد: «حال این رویه سیاسی را مقایسه کنید با روزگار ما که بخشی از شه‌روشنفکران و جوانان خام ما نه‌تنها اصلا به مناسبات استعماری و نظام سلطه جهانی توجه نداشته، بلکه فاجعه‌آمیزتر آن است که آمریکا و غرب را به‌منزله فرشته نجات می‌نگرند و همسو با آنان تفسیرهای آنان را بازگو می‌کنند. در تلقی خام این گروه تنها کافی است ما دستمان را به‌سوی غرب و آمریکا برای دوستی دراز کنیم، آنان نیز خیلی گرم داستان ما را خواهند فشرد و مشکلات کشور به سهولت آب‌خوردن حل خواهد شد. آنچه من خواهم‌بر آن تأکید ورزم این است که

ما ایرانیان، اعم از پوزیسیون و اپوزیسیون، دولتمرد و روشنفکر، حوزوی و دانشگاهی، عوام و غیرعوام باید برای خودمان درخصوص حیات سیاسی و اجتماعی خودمان به یک چارچوب ملی و یک اجماع دست پیدا کنیم و در این راستا البته که حاکمیت سیاسی را نیز باید به نقد کشید؛ از سخنم در این است که این همه ماجرا نیست و برای نجات کشور خود جریان روشنفکری و اپوزیسیون نیز به نقدهایی اساسی نیازمند است و منش سیاسی بزرگانی مانند بازرگان و برخی یاران برجسته‌اش الگوی بسیار شایسته و مناسبی برای نیل به چنین چارچوبی می‌تواند باشد.»

نسبت نهادهای اجتماعی و بازرگان به روایت مالکی پور

سخنران آخر احسان مالکی‌پور، پژوهشگر و دانشجوی دکترا بود که بر دیدگاه‌های مهندس بازرگان بر اصلاح نهادهای اجتماعی تأکید کرد. او در توضیح عدم موفقیت جنبش‌های سیاسی یک قرن اخیر، به نظریه نهادهای اجتماعی اشاره کرد و گفت: «در این دیدگاه، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، حکومت و دین هستند که بر قوانین کشور، به‌ویژه قانون اساسی تأثیر می‌گذارند. قوانین، عامل اثرگذار بر زندگی هر روزه مردم هستند.»

میزگردی با حضور توسلی، رفیعی، منصور، آدینه‌وند و احسان شریعتی

بخش دوم به میزگرد پیرامون «نقد بازرگان، نقد اصلاحات و نقد انقلاب» اختصاص یافت. حسین رفیعی، فعال ملی- مذهبی در نقد مهندس بازرگان به لزوم تداوم کار فرهنگی توسط ایشان بعد از دهه ۱۳۴۰ و واردکردن روحانیت به حرکت‌های سیاسی و ایجاد یک نیروی رقیب پرداخت. احسان شریعتی، پژوهشگر فلسفه، به ضرورت نقد مهندس بازرگان و پرهیز از اکتفا به بیان کامیابی‌های مهندس بازرگان اشاره کرد. ایشان اظهار کرد که در صورت توقف در

مدح و ستایش این شخصیت و بسنده‌کردن به این کار، از حرکت در جهت تغییر، اصلاح و پیشرفت باز خواهم‌ماند. آذر منصوری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و قائم‌مقام حزب اتحاد ملت ایران هم با قرائت بخش‌هایی از مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه نظامی و نطق پیش از دستور ایشان در مجلس شورای اسلامی در دهه ۶۰، استعفای مهندس بازرگان را عملی دانست که اثر آن بر انقلاب اسلامی جریان‌ناپذیر است.آدینه‌وند، پژوهشگر علوم سیاسی نیز گفت: «مسائل و چالش‌های مطرح‌شده توسط مهندس بازرگان شامل تقابل سنت و مدرنیته، ضرورت پیراستن دین از خرافه‌ها، تقابل اسلام و خشونت، ضرورت مقابله با بنیادگرایی، چالش انقلاب و اصلاح، مسئله تفکیک دین و دولت، مسئله اسلام، دموکراسی و… اینها امروز نیز مسائلی ملی و در سطح جهانی هستند. در پایان میزگرد مهندس محمد توسلی، دبیر کل نهضت آزادی ایران، با جمع‌بندی کوتاه و با پاسخ به برخی سؤوال‌ها و نقدهای مطرح‌شده، توضیحاتی در راستای ضرورت و تأثیرات مثبت تعامل تعالی‌بخش بازرگان و روشنفکران دینی با روحانیون سیاسی ارائه داد. دبیر کل گفت: آزادی ایران در خاتمه این نشست، اعلام کرد: «یکی از مهم‌ترین پیام‌های مهندس بازرگان برای این دوره از حیات سیاسی جامعه ایران و در راستای گذار از بن‌بست‌ها و بحران‌های جاری، ضرورت هم‌گرایی، همکاری و مشارکت جمعی برای تحقق اهداف مشترک و مطالبات تاریخی جامعه کنونی است.»

آرینه

ایران

نظارت ملی و پروژه ضدملی

● **علی رفیعی**: ... در پاسخ به بیان رئیس‌جمهوری، در کمال تأسف و شگفتی، سخنگوی شورای نگهبان از جایگاهی ناهم‌تراز با عالی‌ترین مقام انتخابی با رأی مستقیم و پاسدار قانون اساسی، رئیس‌جمهوری را به اقدام (پروژه) ضدملی متهم کرد و او نیز تیری دیگر به پیکر وحدت ملی و آداب جمهوری نشاند. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند. آنچه مهم است، حفاظت و حفظ کرامت نهاد دولت است. دولت، یادگار نهضت مشروطه و مردم‌سالاری نیز یادگار انقلاب ماست. توهین به رئیس‌جمهوری منتخب از سوی سخنگوی حافظ قانون اساسی، جز اهانت به جان‌فشانی‌های تاریخی ملت بزرگ ایران در این راه طولانی نیست. درحالی‌که سخنگوی شورای نگهبان باید در شان اکثریت بزرگان این کشور و پاسداران قانون اساسی باشد؛ نه مانند سخنران اقلیتی خاص. درعین‌حال این رویکرد با همه تلخی خود پنجره‌ای می‌گشاید به سوی معنایی که سخنگوی محترم شورای نگهبان از «نظارت» آن هم در شکل استصوابی خود در نظر دارد. وقتی رئیس‌جمهوری یک مملکت این چنین در معرض «نظارت» سخنگوی شورای نگهبان قرار می‌گیرد، ما می‌توانیم دید روشنی از نحوه نظرات استصوابی بر دیگر کاندیداهای نمایندگی مجلس به دست آوریم... محدوش‌کردن مرزهای نظارت با دخالت و قضاوت موجب بروز مشکلات عدیده‌ای می‌شود که شاهد آن هستیم... وقتی برخی از موضع نظارت استصوابی، رئیس‌جمهوری منتخب ملت را متهم به مشارکت در «پروژه ضدملی» می‌کنند، دیگر با یک نظر از ساده و قانون اساسی بنیاد مواجه نیستیم. با نوعی از نظارت ترکیبی و ترکیب‌بندی‌شده با ضوابط مواجه هستیم که ریشه در قانون اساسی ندارد. به نظر من آشتی و وحدت ملی مسیر ناگزیری است که باید در پیس این اتفاقات تلخ طی کنیم. این امر نه در حد شعار، بلکه باید در عمل جان‌بخشی و داده شود.

نویسنده

مأموریت تازه‌وارد اقتصاد ایران

● **اشکان رسولیان**:... اگر بانکی به طور موقت با کمبود نقدینگی یا ذخایر مواجه باشد، از طریق فروش موقت برخی دارایی‌های بانکی به بانک مرکزی یا کسری کوتاه‌مدت را تأمین می‌کند. با عملیات بازار باز یا بدون آن، بانک مرکزی نقدینگی شبکه بانکی را تأمین می‌کند؛ همان‌طور که در سال‌های گذشته بانک مرکزی بدون این ابزار نقدینگی را به اقتصاد تزریق کرده است؛ اما اجماع جهانی بر کارایی عملیات بازار باز به دلیل قاعده‌مند و پیش‌بینی‌پذیری تأمین نقدینگی در این چارچوب عملیاتی تأکید می‌کند. ازاین‌رو، بانک مرکزی تلاش دارد در کوتاه‌مدت با معرفی این ابزار جدید وظیفه خود را به شکل کارآمدتری انجام دهد. این مسئولیت‌مقدماتی بازار را از دست‌انداختن اقتصاد از تمامی مزایای عملیات بازار باز، نیازمند مجموعه اقداماتی است که تکمیل آنها در کوتاه‌مدت متصور نیست و باید آن را جزء مأموریت‌های بلندمدت تعریف کرد؛ اما مزایای استفاده از این بازار به اندازه کافی جذاب هستند که برای به‌دست‌آوردن آنها، تدوین و اجرای یک برنامه بلندمدت ساده به نظر آید. اگر اقدامات پسینی و تکمیلی ازجمله اصلاح نظام بانکی، استفاده از ابزارهای مناسب و تنوع‌بخشی بازرگان به‌گونه‌ای‌که بانک مرکزی تنها فعال مایشاء، عملیات بازار باز نباشد و... انجام شود، می‌توان گفت تغییر پارادایم در سیاست پولی به سرنزلق مقصود رسیده است. پس از تکمیل این برنامه است که می‌توان ادعا کرد بانک مرکزی به چارچوبی مدرن برای اجرای سیاست پولی مجهز شده است.

روزنامه

سیاست‌نماز

● **کبری اسوهار**: ... ایشان (رهبری) دو ماه پس از آشوب‌های یزینی آبان ۹۸، دو هفته پس از ترور یکی از عالی‌رتبه‌ترین فرماندهان نظامی که بسیاری در جهان او را نفر دوم ایران می‌دانستند و ۱۰ روز پس از حمله به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد و حادثه هدف‌گرفتن اشتباهی هواپیمای مسافری اوکراین و آشوب‌های کوچک براندازان در تهران به نماز جمعه می‌آید و به‌عنوان رهبر ایران، مؤلفه اصلی قدرت ایران را به رخ جهان خواهد کشید و آن چیزی نیست جز پایگاه اجتماعی نظام. مؤلفه‌ای که رسانه‌های مخالف ایران تلاش می‌کنند با جازدن جمعی چندصدنفره به جای جمعیت چندمیلیونی تشییع فرمانده نیروی قدس سپاه، آن را به چالش بکشند. رهبری قدرت‌نش و در واقع قدرت ایران را در دو چیز می‌داند، ایمان و مردم. جمعه روز نشان‌دادن این قدرت است. نماز جمعه این هفته نماد اقتدای ملت به ولی‌فقیه خواهد بود. اقتدا به اصل حضور ایشان و اقتدا به سیاست‌های ایشان و اقتدا به نماز ایشان؛ و این‌گونه نماز جمعه بخشی از سیاست‌ورزی اسلامی ایشان است. ایشان یقیناً در این خطبه‌ها برای ما مردم، تبیین‌های رهبرانه و هدایت‌گرانه خاص خود را خواهند داشت؛ اما اصل حضور ایشان و اصل حضور مردم اولین پیام به همه است تا اگر تصاویر هوایی تشییع سردار را نخواستند ببینند، تصاویر مصلای تهران در روز ۲۷ دی ۹۸ را به خاطر بسپارند.